اساتید و کارشناسان روابط بین‌الملل درباره فردای پس از انتخابات می‌گویند

دولت چهاردهم دنیا را چگونه خواهد بینید؟

فاطمه برجمانی
خبرنگار گروه جهان شهر

فردای انتخابات پیش رو، دوران اهرام یا چه مسائلی پیش‌روست؟ این پرسش محوری برنامه تلویزیونی «تقاطع» است که در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم به دنبال یافتن پاسخ آن از زبان اساتید دانشگاه و اهل فکر است. نخستین میزگرد این برنامه، پیرامون موضوع رابطه ما با جهان و به تعبیر دیگر سیاست خارجی و مسائلی که رئیس جمهور و وزیر خارجه بعدی ایران با آن روبه‌روست، انجام پذیرفت. البته با توجه به طراحی این موضوع در ۳ قسمت، مهمانان برنامه تلاش کردند در نشست نخست، کمی عمیق‌تر به موضوع ورود کنند اما در مرحله بحث، نقد رایی نیز به نگاه دولت خوب و بد خلاصه شد و بحث بازسازی بعد از شکل‌گیری دولت بعدی، کمتر مورد توجه قرار گرفت که در دوره‌های مختلف روی داد. در دوره اصلاحات، در دوره دولت‌های نهم و دهم و بعد از آن، هرکدام بر خاصی رایه جهان داد و پیرایه‌های متفاوتی را هم گرفت. ما الان در شرایطی هستیم که شاید یکی از سخت‌ترین دوره‌های سیاست خارجی را در دوران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر رقم خورده و آن هم به دلیل نوع مواجهه‌ای است که بر سر مسائله هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ داریم.

■■■

علیرضا کوهکن
معاون موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

بدیا بدانیم بعد از انقلاب، وقتی که یکباره جمهوری اسلامی ایران متولد شد و به این جهان پرتاب‌شد، سیاست خارجی ایران در گام‌های اول، خودش را به چه شکلی بروز داد و الان که به بیش از ۴۵ سالگی یا به دوران بلوغ خود رسیده، در چه وضعیتی قرار دارد؟ این موضوع برای ما که کار آکادمیک انجام می‌دهیم، مسئله جذاب، برایمان و جالبتری بوده است. از این جهت برایمان که شناخت سیاست خارجی ایران برای همه مشکلات متعددی داشته، یا به این دلیل که بعضی سیاست خوب و بعضی‌ها بد می‌دانند، برخورد کرده‌اند یا برخی بعد از آن خوب و بعد بد آن هم بیان‌های فلسفی به سبب جایی که اسائید اولیه رفته و درس خوانده بودند و آمده بودند خیلی بر نگاه بعدشان تفذ فلسفی کنم. این مسأله یک از مباحث دائمی و باعث شده انقلابی در حوزه علمی و به‌تبع آن بازتابش در بین نخبگان رخ دهد که یک طنز در حوزه علوم اجتماعی است. فکر می‌کنم این جمله طنز را خیلی شنیده باشید که من می‌خواهم علمی صحبت کنم و بیه پیرامون و مسائل اجتماعی کاری ندارم. در علوم اجتماعی این کلام خوب ما می‌شناسند. درحالی‌که دهه ۷۰ حتی در آمریکا خیلی وقت است که تمام شده، الان آن شناخت حتی از کالجی که معتبر یا غیرمعتبر در آن درس خوانده بودند، دیگر در این شرایط وجود ندارد. به‌تبع اینکه مطالعه که وجود داشته، دیگر در این شرایط وجود ندارد. به همین خاطر شاید ما نه فقط در نگاه به دایم می‌شناسیم، بلکه در نگاه به ایران هم دچار این مسأله هستیم که بگوییم موقع بود یا نبود یا اصلا باید موقع بود؟ به هر حال هر حوزی که شما نام‌وقع بیاورید رفتار کنید. هر چقدر هم بعرینه بودن، رفتار کنید. اتکی خودش را دارید. اصلی‌ترین مسأله من‌هاس حوزی دوستان ما در دانشگاه‌ها، بلکه، انقلاب بزرگ بوده است. اساتیدی که انقلاب‌ها را درس می‌دهند و در دانشگاه‌ها، خودم بلاگردنم که در روابط بین‌الملل چهارتا انقلاب بزرگ روبرو دارد؛ انقلاب فرانسه، چین، ۱۹۱۷ اکتبر و انقلاب جمهوری اسلامی ایران. هر کدام از این انقلابات رایکه مانگاه می‌کنیم، آثار به‌شدت اثرگذاری بر محیط پیرامونی خودشان گذاشته‌اند. چه انقلاب فرانسه، چه انقلاب شوروی، چه انقلاب چین، جمهوری اسلامی ایران هم همین‌طوری تولید آثار قدرت مستقلی شاید. جمهوری اسلامی ایران راسن ترجیح می‌دهم بگویم اراضی، نه اید‌ئولوژیک. چون در ریخت‌های ما، اید‌ئولوژیک‌ها بار منفی دارد. ما ارزشگذاری نمی‌کنیم که منفی است یا مثبت. یک رویکرد آرمانی داشته، یک انقلاب بزرگ بوده، باهداف بزرگی سرکار آمده و طبیعتا در یک محیط بین‌المللی که خیلی‌ها فکر می‌کنند فقط جمهوری اسلامی هنر می‌کند که برای شما جای اینکه دست، که قبل از هم بوده، کشورهای عام تعهد هم دچار رأی‌زدند. می‌گفتند ماه نشی را می‌خواهیم و نه غرب را می‌خواهیم. در تاریخ معاصر، کشورهایی که با سرانیل جنگ نداشتند، ارپان عربیسم و عبدالناصر، رئیس جمهور روی‌کار آمدند، بااتوجه به امکانات و محدودیت‌های بین‌المللی چگونه عمل می‌کنند. یک‌عده نهایتا به اینجا رسیدند که شما تصور اشتباه داشتید که باید به امکانات و محدودیت‌ها است. دو هم آنکه آن دوتیدم‌ها می‌دهم، باید‌بدانند در آن چیزی که داریم در این محیط بین‌المللی برای سیاست خارجی‌مان طرح می‌چینیم، باید‌بتوانیم این محیط بین‌المللی را به‌خصوص در حوزه‌ها پیرامونی خودمان تغییر دهیم. بیشتر باید کرد کنیم. درک کنیم که محدودیت هم داریم. یکی این‌که نمی‌توانیم به سیاست بیگانه‌ایم که ما هم بیگانه‌ایم. یکی این‌که نمی‌توانیم به‌این‌که بگوییم که سازمان‌ها هم مخالف هستند، همه حتی نظریه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌الملل که ما هم آمده و تعادلاتی را در مواجهه با ساختار انجام داده است، در ما دره ۹۰ میلادی می‌بینیم، وقتی نظام دو قطبی فرو می‌پاشد و نوبارایرن بگوییم که هزینه‌ای هم نمی‌دهیم و همه‌اش فایده است. این سرخوردگی به وجود می‌آورد. تاریخ این موضوع هم خیلی قدیمی است. لاقل آن طور که من در حداقل بتوانم گفت‌وگو کنم که چقدر می‌توانیم آن را به‌عنوان یک دولت تجدید‌نظرطلب یک دولت چالنجرا چالش‌گر، اما می‌بینید که وقتی ساختار تغییر می‌کند، جمهوری اسلامی هم مجبور می‌شود رفتار خود را با ساختار انجام داده است، ما در دهه ۹۰ میلادی می‌بینیم، وقتی نظام دو قطبی فرو می‌پاشد و نظام تک‌قطبی بالا می‌آید و حرف اول دنیا را خرف می‌زند، ما می‌بینیم که همه‌مان جمهوری اسلامی مجبور به عمل گرایشدن می‌شود. یعنی همین رویکرد آرمانی که همه سخت بقای آن است، این را باید در نظر بگیریم. هرچند که این اصول می‌توانند بقای جمهوری اسلامی را تأمین کنند، اما در عین حال باید حفظ کنیم، نگه داشته باشیم و به‌طور دقیق در چارچوب روابط بین‌الملل بازیرکیم که چقدر می‌توانیم آن را با تحولات کنیم، یکی از واقعیت‌های ما هم قدرت طرف مقابل است؛ یکی واقعیت‌هاهست‌دوزیت‌های شماست. یکی واقعیت‌های شماست. یکی این‌که هرچقدر شما بایتان در چارچوب‌های شماست، یکی واقعیت‌های شماست. یکی این‌که ما بهم مقابله کنیم، همیشه یکطرفه به قاضی رفته و راضی برگشته‌ایم. یعنی اگر قرار باشد آم خودش به خودش نبرد دهد که همیشه ۲۰ می‌دهد. ولی موضوع این است که ما هیچ‌وقت خودمان به خودمان نمره نمی‌دهیم. شاخص ما مقایسه ما به خصوص در طول زمان معنا دارد.

یکی نکته آخر راهم بگویم، واقعیتش این است که به خصوص از اول انقلاب اسلامی تا به الان یعنی ۴۵ سال گذشته تا حالا یک واقعیتی به بقیه نکته ما وجود دارد و آن هم این است که هر روز دری اینکه چرا سیاست خارجی مهم است، برای مردم واقعی تر شده است. یعنی به خصوص دیگر امروز مردم نسبت به رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی به عنوان یک رشته بسیار هم‌نگاه می‌کنند. یعنی تصویری که قدیم‌ها وجود داشته که آدم‌ها باید پزشک و مهندس شوند تا آدم‌های ماتریکه‌ای‌شوند، کاملا امروز دگرگون شده است. اتفاقا هم چقدر که ما سفارت آمریکا به‌بد‌دار، نظر بگرید، تا امروز این همه مسائل مذاکرات دیپلماتیک، برجام، احیای برجام تا امروز، حداقل این است که مردم می‌فهمند در زندگی روزمره‌ما بده که شاید‌به یکند هم وجود دارد اما از لحاظ دیگری می‌توان ارزیابی کرد. بنابراین تصویر هم است ولی دارد تغیر. بنابراین هیچوقت معلوم نیست کدام تصویر صحیح است. کارویش هم معلوم نیست. چون اندازه‌گیری اینکه کدام موقع بوده و چقدر، هیچ‌کدام از این تدام مسئله به بگوییم موقع بود یا کاملا نبوده موقع بود؛ به هر حال هر حوزی که شما نام‌وقع یا پرعزیه رفتار کنید. هر چقدر هم پرعزیه نباشد، اندکی وقت‌ها خوب شده باشد؛ یا بله، ولی آمریکا همین‌طور است، در این پرونده‌های مختلف صدقه داشته باشد؟ بله، ولی آمریکا همین‌طور است، در این دنیای جدید است؟ نه، آمریکا هم‌چون است؟ نه دیگر هم‌چون جهانی نیست، بلکه قطع هم‌چون نیمکره غربی است. هم‌چون تعریف دارد. در جمله کسی که در آن شهر درس خوانده بود، بلند شد، گفت فکر کنم شما به شهری دیگر رفتید. آنجا فقط خوبی اتفاق می‌افتد. من چیز بدی نگفتم. من هم خوبی و هم بدی را گفتم، ظرف مقابل حاضر نبود بشنود که من که هفته قبل دیدم، با شهری که ۱۵ سال قبل او دیده بود، ممکن است متفاوت بوده باشد. ما باید این چالش مواجهیم که الا‌ولادنیا را چگونه می‌شناسیم؟ اگر از این دنیا شناخت دقیقی نداشته باشیم، آنوقت نه دنیا به ما بازیزیم قدرت و نه همسایگان و سیاست خارجی را درست می‌شناسیم. نکته بعدی اینکه اصلا اجزامی خواهیم یا جهان رایطه داشته باشیم؟ بخشی از این سرلاقت به تعطیل تئوریک در روابط بین‌الملل بی‌اهمیت است اما با آنها چالش داریم. می‌خواهیم رابطه داشته باشیم که صرفا رابطه داشته باشیم؟ یا اینکه رابطه داشته باشیم که امنیت ملی‌مان تأمین شود. جنگ نکنیم و باکلاس به نظر برسیم؟ بگوییم ما رابطه داشتیم یا می‌خواهیم رابطه داشته باشیم که منافع‌مان قابل پیش‌بینی کمی تأمین شود. ما در سطح بعد که سطح روابط اقتصادی است، ما باوجود این‌که قطبی سیاسی‌مان شکل نداریم، بلکه نظم چندقطبی شده بزریل، در غرضه اقتصادی آمریکا رامهزنه می‌کنند؛ چین، اروپای واحد، ژاپن، هند، بزریل، آفریقای جنوبی و دیگران. نکته جالبش اتفاقا این روزهای اخیر که می‌گوید در سطح تحتانی این صفحه شطرنج که روابط فامیلی است و موضوعاتی مانند قاچاق مواد مخدر، تغییرات آب‌وهوایی، گرم شدن کره زمین، آب شدن یخ‌های قطبی و کی یکی از مسائل مهمی که در حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته‌اند، این است که ما در سیاست خارجه به این دست رقتیم که به این سؤال جواب بدهیم ما می‌خواهیم رابطه داشته باشیم که منافع‌مان تأمین شود؟ من به یکی از دوستان در جلسه پرحاشیه‌ای در مجلس مسئله حداب، برایهم و جالبتری بوده است. از این جهت برایهم که شناخت سیاست خارجی ایران برای همه مشکلات متعددی داشته، یا به این دلیل که بعضی سیاست خوب و بعضی‌ها بد می‌دانند، برخورد کرده‌اند یا برخی بعضی سیاست خارجی ایران را به‌طور کلی نقد کرده‌اند یا برخی سیاست خارجی ایران برای همه مشکلات داخلی‌مان مقصر هستیم. گرچه این یک اصل بدیهی است اما می‌توانیم به‌طور موضوع دعوا باشد.

این نگاهی است که با آن سیاست خارجی را می‌بینم و در همه این ۱۵ سالی که سیاست خارجه درس می‌دادم، سعی کردم همین را بخوانم، یاد بگیرم و راجع به آن صحبت کنم.

روح‌الامین سعیدی
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق(ع)

رئیس جمهور را در دوران پس از انتخابات می‌شناسیم

رئیس جمهور آینده ایران، به‌تبع ساختار سیاست خارجی ایران، بیشترین تأثیر را در سیاست خارجی ایران دارد. اگر همین رئیس‌جمهور فعلی، سیزده سال پیش به‌جای حسن روحانی، سعید جلیلی رئیس‌جمهور می‌شد، سیاست خارجی ایران به‌طور کامل تغییر می‌کرد. اگر این